

Assessing the role of Islamic councils in the political development of the Islamic Republic of Iran¹

Ali Heidari¹, Alireza Rezaei², Abbas Salehi Najafabadi³

1. *PhD. in Political Science, Iran Issues, Hamadan Branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran.*

heidari_1351@yahoo.com

2. *Associate Professor, International Relations, Hamadan Branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran*

(Corresponding Author). IR.A.Rezaei@gmail.com

3. *Assistant Professor, Hamadan Branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran. iauh68@iauh.ac.ir*

Abstract

The main purpose of this study is to identify and evaluate the impact and role of Islamic councils in the process of political development of the Islamic Republic of Iran with a macro view of performance and obstacles, and factors of failure and to present strategic plans for the future. The research method is descriptive-analytical and seeks to evaluate the impact of Islamic councils on the political development process of the Islamic Republic of Iran. The results showed that increasing public awareness, public trust in social institutions, realizing the rights of the people, and promoting a culture of accountability and a culture of independence could lead to political development, reduce municipal authority, and overcome political issues tastes over other aspects. Specialized and non-specialized affairs have had a negative impact on political development. Political affairs are not separate from the sphere of people's lives, and political development is not only related to governmental affairs, which for ordinary people is an alien and alien concept and only in the hands of the ruler and his representatives, but the purpose of political development is to increase various capacities. Moreover, society is in everything, which obliges the system to respond better to public demands. The role of the Islamic councils of the city in the political development of the country is not very efficient and colorful; the cities do not have a favorable development process, and the councils do not play a significant role in political development. A principled structural reform can pave the way for solving existing problems and political development, and optimal management of cities and regions.

Keywords: Political Development, Urban Management, Islamic Councils, Constitution, Iran.

1. **Received:** 2019-07-25 ; **Revision:** 2021-11-21 ; **Accepted:** 2021-12-01

© the authors

<http://sm.psas.ir/>

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



ارزیابی نقش شوراهای اسلامی در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران^۱

علی حیدری^۱، علیرضا رضایی^۲، عباس صالحی نجف‌آبادی^۳

۱. دکتری، علوم سیاسی، گرایش مسائل ایران، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. heidari_1351@yahoo.com
۲. دانشیار، روابط بین‌الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران (نویسنده مسئول). IR.A.Rezaei@gmail.com
۳. استادیار، علوم سیاسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. iauh68@iauh.ac.ir

چکیده

هدف اصلی تحقیق حاضر شناسایی و ارزیابی تاثیر و نقش شوراهای اسلامی شهر در فرآیند توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران با نگاه کلان به عملکرد و موانع و عوامل عدم موفقیت و ارائه برنامه‌های راهبردی برای آینده می‌باشد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و درصدد آن است که تاثیر شوراهای اسلامی را در فرآیند توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران مورد ارزیابی قرار دهد. نتایج نشان داد که افزایش آگاهی عمومی، افزایش اعتماد مردم به نهادهای اجتماعی، احقاق حقوق توده‌ها و ترویج فرهنگ پاسخگویی و فرهنگ استقلال می‌تواند باعث توسعه سیاسی شده و همچنین کاهش اقتدار شهرداری و غلبه مسائل سیاسی و سلیقه‌ای بر سایر جنبه‌های تخصصی و غیرتخصصی شدن امور در توسعه سیاسی اثر منفی گذاشته است. امور سیاسی از حوزه زندگی مردم جدا نیست و توسعه سیاسی صرفاً به امور دولتی و حکومتی مربوط نمی‌شود که برای مردم عادی مفهوم غیرخودی و بیگانه و تنها در اختیار حاکم و نمایندگان آن باشد، بلکه هدف از توسعه سیاسی افزایش ظرفیت‌های مختلف فرد و جامعه در همه امور است و اینکه نظام را به پاسخگویی بهتر به خواست‌های عمومی ملتزم نماید. نقش شوراهای اسلامی شهر در توسعه سیاسی کشور چندان کارآمد و پر رنگ نیست و شهرها از این جهت روند توسعه مطلوبی نداشته و شوراها نقش چندانی در توسعه سیاسی ندارند. یک اصلاح ساختاری اصولی می‌تواند در راستای حل مشکلات موجود و توسعه سیاسی و مدیریت بهینه شهری و منطقه‌ای راهگشا باشد.

واژه‌های کلیدی: توسعه سیاسی، مدیریت شهری، شوراهای اسلامی، قانون اساسی، ایران.

۱. حیدری، علی؛ رضایی، علیرضا؛ صالحی نجف‌آبادی، عباس (۱۴۰۰). ارزیابی نقش شوراهای اسلامی در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران.

سیاست متعالیه، ۹(۳۵): ۱۹۱-۲۰۸. DOI: 10.22034/sm.2022.102995.1333

تاریخ ارسال: ۱۳۹۸/۰۵/۰۳؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۸/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۰

۱. مقدمه

چالش اصلی اندیشه سیاسی عبارت است از تلاش اندیشمندان مختلف برای حل مشکلات و بحران‌های جامعه. این اندیشه‌ها ممکن است برآمده از عوامل متعددی باشند که یا در شکل‌گیری این تفکرات نقش مؤثر داشته و یا در تقویت و سمت و سو دادن به آن‌ها حائز اهمیت بوده‌اند (خان‌محمدی و جعفری، ۱۳۹۵: ص ۴۶). در جوامع توسعه‌یافته که دارای احزاب و نهادهای مدنی و غیر دولتی فعال هستند، بین مردم و رهبران آن‌ها پیوند قوی‌تری وجود دارد. افراد، حاضر به همکاری و اجرای تصمیمات دولت هستند و مشارکت فعالانه و خودجوش دارند. شهروندان به کشور و حاکمان خود علاقه‌مند بوده و با کنار گذاشتن اختلافات قومی، مذهبی و زبانی، یک جامعه واحد تشکیل می‌دهند. برعکس، در جوامعی که همه اختیارات در انحصار دولت است و نهادهای مردمی در تصمیم‌گیری و اداره امور نقش چندانی ندارند، مردم برای حاکمان هیچ ارزشی قائل نیستند، از روی اجبار با دولت همکاری می‌کنند و مشارکت آن‌ها منفعلانه و تبعی می‌باشد. امروزه با وجود اختلاف‌نظری که بین نظریه‌پردازان مختلف در مورد توسعه سیاسی وجود دارد، نهادگرایی یکی از مکاتب ریشه‌دار در مورد مطالعات توسعه سیاسی می‌باشد که بر این اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران طی اصول متعدد، نهادهای گوناگونی جهت مشارکت مردم در تصمیمات کشوری و محلی تعریف کرده است. با بررسی تاریخ سیاسی ایران، نهادهای محلی - مردمی به دوره مشروطه برمی‌گردد که به دنبال آن اولین حکومت دموکراتیک با اولین تقسیمات کشوری در سال ۱۲۸۶ تصویب شد که در آن به نهادهای محلی با نقش مردم اشاره شده است.

در دوره‌های بعدی با توجه به ماهیت سیاسی و دولت محوری، نهادهای محلی دچار فراز و نشیب‌هایی شد. اما بعد از انقلاب اسلامی، براساس قانون اساسی، قانون تشکیل شورای اسلامی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و به علت پاره‌ای از مشکلات، این نهاد شورایی نتوانست کار خود را رسماً تا سال ۱۳۷۷ شروع کند (قالیباغ، ۱۳۸۶: ص ۱۰-۱۲). براساس اصل یک‌صد قانون اساسی، برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی، اولین، دومین و سومین، چهارمین، پنجمین دوره انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا به ترتیب در اسفندماه ۱۳۷۷، اسفندماه ۱۳۸۱، آذرماه ۱۳۸۵، خردادماه ۱۳۹۲ و اردیبهشت ماه ۱۳۹۶، برگزار شد. اینک پس از گذشت حدود بیست سال از تشکیل شورای اسلامی شهر و روستا و تجربیات به دست آمده از آن، این پرسش مطرح است که تشکیل این نهادها و نقش آن تا چه اندازه در توسعه سیاسی کشور مؤثر بوده است؟ هدف اصلی تحقیق حاضر شناسایی و ارزیابی تاثیر و نقش شوراهای اسلامی شهر در فرآیند توسعه سیاسی جمهوری

اسلامی ایران با نگاه کلان به عملکرد و موانع و عوامل عدم موفقیت و ارائه برنامه‌های راهبردی برای آینده می‌باشد، زیرا بررسی موانع موجود در عرصه‌های مختلف جامعه از طرف شوراهای که به عنوان سیستم مدیریتی و نظارت بر کارآمد بودن امور اجرایی هستند می‌تواند زمینه‌های توسعه سیاسی را بهبود بخشد.

۲. پیشینه تحقیق

با توجه به بررسی‌های انجام شده در زمینه توسعه سیاسی و شوراهای اسلامی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود (جدول ۱):

جدول ۱- پیشینه تحقیق

محقق / سال	موضوع	یافته‌ها
قالیباف (۱۳۹۲)	حکومت‌های محلی یا استراتژی توزیع قدرت سیاسی در ایران	کتاب حاضر از آن جهت مورد توجه است که در چند دهه اخیر مطالعات زیادی در کشورهای مختلف حول محور تمرکز زدایی، خود مدیریتی، منطقه‌مداری و اختیارسپاری به منظور ارائه الگویی مناسب‌تر جهت توسعه یافتگی و نیز به منظور تشویق شهروندان به مشارکت حداکثری صورت گرفته است. چراکه یکی از مباحث مهم مربوط به توسعه، تمرکز زدایی است که خود به مولفه‌هایی چون سطح توسعه اقتصادی، وسعت و پراکندگی جغرافیایی و قومی وابسته است.
رحیمی جهان‌آبادی (۱۳۹۴)	نقش شوراهای اسلامی در توسعه سیاسی شهرستان‌ها در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۲: مطالعه موردی شهرستان تایباد	این پژوهش ضمن تاکید بر اهمیت مقوله توسعه سیاسی و اثرگذاری آن بر بسیاری از مسائل دیگر، وجود انجمن‌های سیاسی و صنفی، نهادهای غیر دولتی و گروه‌های خاص اجتماعی همراه با مشارکت آگاهانه و آزادانه را از عوامل اساسی و تعیین کننده توسعه سیاسی می‌داند.
اسدیان و همکاران (۱۳۹۲)	موضوع ارزیابی و تحلیل میزان تحقق‌پذیری اهداف توسعه توسط شوراهای شهر: مطالعه موردی شهر زاهدان	این پژوهش ضمن تاکید بر اینکه شورا از بارزترین شیوه‌های عقلایی در زندگی جمعی است، آن را یکی از ارکان اصلی دموکراسی و مشارکت تمامی افراد در امور و تصمیم‌گیری‌ها می‌داند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد فعالیت شورای شهر در سه حوزه عمرانی، فرهنگی و اقتصادی کارآمد نبوده، به طوری که عمده توجه شورا به بعضی حوزه‌ها بیشتر و برخی دیگر کمتر بوده است.
رستمی و حسینی‌پور اردکانی (۱۳۹۲)	جایگاه شوراهای اسلامی کشور در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران	قانونگذار شوراها را با یکسری صلاحیت‌ها و سازوکارهای خاص به صورت مجزا از قوای دیگر و یا سایر نهادهای اساسی به رسمیت شناخته است؛ چرا که به موجب قانون اساسی، شوراها به عنوان یکی از ارکان اداره امور کشور از طریق تصمیم‌گیری (اصل هفتم) به هدایت و نظارت بر اداره امور محلی (اصل یکصدم) می‌پردازند و این امر به جز صلاحیت قانونگذاری می‌باشد.
هشجین و همکاران (۱۳۹۳)	نقش شوراهای اسلامی شهر در مدیریت شهری و به صورت مطالعه موردی شورای اسلامی شهر هشجین در طول ۳ دوره	بر اساس این تحقیق، شورای شهر به عنوان یک عنصر از مدیریت شهری در اداره شهرها در سطح محلی نقش مهمی را بر عهده گرفته است و تشکیل شوراهای اسلامی شهرها می‌تواند نقطه عطفی در برای مدیریت مشارکتی در ایران باشد.

۳. اهمیت و ضرورت

با توجه به رشد سریع جوامع انسانی و پیچیدگی روابط حاکم بر ساختار مدیریت این جوامع، هر روز شاهد تحول و پویایی در جنبه‌های مختلف زندگی از جمله امور اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در سطح جهان هستیم. با عنایت به اینکه حل مشکلات و مسائل موجود کشور از جمله مشکلات توسعه‌نیافتگی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه به تنهایی از عهده دولت ساخته نیست، فعالیت مطلوب و کارآمد نهادهایی همچون سازمان‌های غیر دولتی، دولت محلی، شوراهای اسلامی شهر و شهرداری‌ها می‌تواند در جهت دستیابی به رشد و توسعه و به تبع آن تسهیل فرآیند توسعه سیاسی، مثمر ثمر باشد.

توسعه سیاسی بدون در نظر گرفتن ارزش‌های دموکراسی و مشارکت سیاسی فعالانه همه آحاد جامعه میسر نیست. لذا، با توجه به تشکیل نهاد شوراهای اسلامی شهر در سال ۱۳۷۷ در کشور جمهوری اسلامی ایران و پیش‌بینی موارد قانونی لازم در قانون اساسی در این خصوص شاهد این هستیم که با گذشت نزدیک به دو دهه از فعالیت و عملکرد این شوراهای، آنچنان در فرآیند توسعه سیاسی کشور نقش موثری را ایفا نکرده‌اند که بررسی عوامل و موانع آن می‌تواند حائز اهمیت باشد. ترسیم و تحقق علمی و عملی توسعه چشم‌انداز و چشم‌انداز توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی متعالی بهینه و به‌سامان (همگون و همگن) جمهوری اسلامی ایران به عنوان افق اصلی و نهایی است. ترسیم و تحقق چشم‌انداز و توسعه‌ای که نیازمند تدبیر می‌باشد، تدبیر و توسعه‌ای که هم‌اینک با چالش ارتقای هرچه فراتر کارآمدی، بهره‌وری و اثربخشی علمی و عملی ملی پیش‌رو است (صدرا، ۱۳۹۶: ص ۲۷).

۴. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی می‌باشد. در این راستا، آشنایی با توسعه سیاسی و نقش شوراهای، می‌تواند مدیران را در شناخت وضعیت‌های پیچیده تحولات سیاسی، اجتماعی و ارائه راه‌حلی مناسب یاری رساند. کاربردی بودن این پژوهش می‌تواند ارائه‌دهنده روش‌های قابل استفاده در تصمیم‌گیری در مدیریت سیاسی و شهری باشد که یکی از مشکلات جامعه امروزی می‌باشد و استفاده از نتایج این تحقیق و بررسی‌های انجام شده باعث بهبود شرایط موجود و ارائه راه‌حل‌های مفید در اینگونه از موضوعات گردد.

۵. مبانی نظری

۱-۵. توسعه سیاسی^۱

توسعه سیاسی که به عنوان الگویی پویا (سیف‌زاده، ۱۳۹۲: ص ۷۶-۶۹) و تبیین‌کننده در دگرگونی سیاسی از سوی مکاتب غربی به عنوان راهکاری برای کشورهای توسعه نیافته و جهان سومی ارائه گردیده است، به دلیل چند بعدی، جامع و کیفی بودن آن پیچیده‌ترین سطح توسعه یک جامعه است (سریع‌القلم، ۱۳۸۴: ص ۱۰۴). پس از جنگ جهانی دوم و با استقلال یافتن بسیاری از کشورها، این مفهوم در چارچوب مطالعات سیاست تطبیقی مورد توجه دانشمندان قرار گرفت که تقریباً تمامی کارهای مربوط به توسعه سیاسی، اثری از نویسندگان آمریکای شمالی یا متأثر از ذهنیات آنان است (بدیع، ۱۳۸۷: ص ۹). این مفهوم از دیدگاه‌ها و نگرش‌های مختلفی تعریف و به بحث گذاشته شده است. برخی از اندیشمندان با نگرش کمی و گروهی با نگاهی کیفی و ساختاری به مطالعه توسعه سیاسی پرداخته‌اند و هر یک شاخص‌ها و پارامترهایی مشخصی برای آن برشمرده‌اند (سرمدی و همکاران، ۱۳۸۸: ص ۳۹). توسعه سیاسی تبلور شکل‌گیری قالب فکری جدیدی که در آن فرآیندی نهادین از حرکت پیشرونده ولی متعادل، خود افزاینده و باثبات سیاسی انجام می‌شود. در این حرکت یک جماعت انسانی با رویکرد سیاسی به سوی مشارکت فعالانه سیاسی شهروندان خود داوطلبانه، آگاهانه و عاقلانه گام برمی‌دارند تا برای کلیه مشکلات مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود از لحاظ سیاسی با همدلی و به طور غیر خشونت‌آمیز راهجویی مدبرانه و پویا داشته باشند (سیف‌زاده، ۱۳۹۲: ص ۱۵).

۲-۵. شاخص‌ها و عناصر مشترک توسعه سیاسی

شاخص‌ها و عناصر مشترک توسعه سیاسی در نظریات مختلف عبارتند از:
 الف) نهادسازی و ایجاد نهادهای دموکراتیک که بتوانند مشارکت حقیقی مردم را در تصمیم‌گیری‌ها و ایفای نقش‌های قاطع در محیط سیاسی - اجتماعی تضمین نمایند (ایوبی، ۱۳۷۷: ص ۵۶).
 ب) تأکید بر ایجاد دموکراسی‌های بومی به جای دموکراسی واحد و یکسان یا یکتا و تمایز بین اهداف و شاخص‌ها در توسعه سیاسی. بر این اساس، متفکران، اصل دموکراسی را با راهکارهای اروپایی یعنی نظام

دموکراسی لیبرال که امری واحد است، تلقی نمی‌کنند و تکرار تقلید از نهادهای سیاسی اروپایی را در کشورهای جهان سوم موجب شکل‌گیری نظام‌های سیاسی ظاهراً دموکراتیک، اما بی‌بنیان می‌دانند. البته ممکن است این الگو وجوه مشترکی نیز با الگوی غربی داشته باشد، مادامی که با مبانی آن نظام در تعارض نباشد (نقیب‌زاده، ۱۳۷۷: ص ۵۶۴).

ج) تمسک به عقلانیت انسان‌بنیاد و گذر از عقلانیت خدا بنیاد، توجه به برتری آن بر برخی از امور جاری در جامعه. از این رهگذر، نقادی سنت‌های بومی گذشته و ارزش‌های وارداتی و برخورد گزینشی و عقلانی با پدیده‌های سنتی و پدیده‌های مدرن در مسیر توسعه جامعه مورد توجه است. در این میان بر تعامل ارزش‌های بومی و وارداتی و نقادی آنها با توجه به نیازها، شرایط و مصالح ملی نیز تأکید می‌شود. بر این اساس، اصولاً تمدن‌ها با یکدیگر ترکیب می‌شوند و تلفیق و ترکیب ارزش‌های عقلایی تمدن‌ها عامل اصلی تکامل و پیچیدگی آنها است. تمدن‌های بزرگ‌تر آنهایی هستند که ارزش‌ها و عناصر پیچیده‌تر و بیشتری از تمدن‌های پیشین را در خود جای می‌دهند و حاصل سنتز تمدن‌های بیشتری هستند (بشیری، ۱۳۸۰: ص ۱۹).

۳-۵. شورا^۱

شورا از اصطلاحات پرکاربرد در ادبیات حقوقی و سیاسی در جهان امروز به حساب می‌آید و سابقه‌ای طولانی در ادبیات فقهی دارد. با بررسی تاریخ سیاسی ایران، نهادهای محلی - مردمی و اندیشه آن برای اولین بار در دوران مشروطه صورت گرفت، که به دنبال آن حکومت دموکراتیک براساس سنت‌های ایران تأسیس گردید و با اولین تقسیمات کشوری که در سال ۱۲۸۶ تصویب شد، در آن به نهادهای محلی با نقش مردم اشاره شده بود و بعداً در زمان اصلاحات ارضی و انقلاب سفید، قوانین متعددی درباره انجمن‌های محلی، شوراها و خانه انصاف به تصویب رسید، ولی با توجه به ماهیت بسیط سیاسی و دولت محوری، مانع نقش واقعی مردم و کارکرد موثر آن شد. بعد از انقلاب اسلامی، گروه‌های فکری و سیاسی و نخبگان جامعه به طرح شورا پرداختند که در سال ۱۳۶۱ براساس قانون اساسی، قانون تشکیل شوراهای اسلامی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و تا سال ۱۳۷۷ به علت پاره‌ای مشکلات نتوانست رسماً کار خود را شروع کند (قالیباغ، ۱۳۸۶: ص ۱۰).

یکی از تحولات مهم در عرصه سیاسی- اجتماعی کشور، تشکیل شورای شهر در سال ۱۳۷۷ بود. تا پیش از تشکیل این شوراهای، سازوکار اداره امور شهرها شکلی ساده، متمرکز و غیر دموکراتیک داشت. تشکیل شوراهای شهر سبب شد تا سازوکارهای غیر متمرکز و مبتنی بر انتخاب مردم، اداره امور شهرها را بر عهده بگیرند (سیف‌الدینی، ۱۳۸۰: ص ۵۱). در دوران حاضر شورای اسلامی شهرها نشان‌دهنده سیاست دموکراتیک کردن آنان از ناحیه دولت مرکزی است. شوراهای محلی از جمله سازوکارهایی هستند که در صورت نهادینگی می‌توانند در سطح محلی به ایجاد دموکراسی، ارائه خدمات و انسجام اجتماعی یاری رسانند. توسعه شوراهای شهر می‌توانند موجب گسترش نهادهای غیر دولتی، افزایش مشارکت مردم در اداره امور خود و پاسخگویی نهاد مدیریت شهری باشند (ازکیا و ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۴: ص ۲۶).

۶. یافته‌های تحقیق

با پایان جنگ تحمیلی و برطرف شدن مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ و بازسازی خرابی‌های حاصل از آن، زمینه برای افزایش مشارکت مردم در اداره امور جامعه فراهم شد و گام‌هایی در جهت توسعه سیاسی برداشته شد که از جمله مصادیق بارز آن تشکیل شوراهای اسلامی و برگزاری انتخابات آن می‌باشد (منظری، ۱۳۸۹: ص ۱۲). با شکل‌گیری و شروع به کار شوراهای اسلامی، بخشی از اختیارات دولت تفویض شد که گامی در راستای تمرکززدایی اداری و توزیع جغرافیایی قدرت و حرکت به سوی دولت‌های محلی بود. با توجه به اینکه اعضای شورای اسلامی شهر مستقیماً توسط مردم انتخاب می‌شوند، و اداره امور منطقه مربوطه به آن‌ها سپرده می‌شود، چنانچه در امر انتخاب نهایت دقت صورت گیرد و انتخابی اصلح شکل پذیرد، با توجه به شناخت آن‌ها از ظرفیت‌ها، پتانسیل و نیازهای حوزه انتخابیه و همچنین جایگاه قانونی نهاد شورا و اختیاراتی که در قانون برای آن پیش‌بینی شده است، این نهاد می‌تواند گامی مؤثر در راستای شناسایی و رفع نیازها و توسعه منطقه و به تبع آن نقشی مؤثر در توسعه سیاسی کشور ایفا نماید.

۶-۱. شورا و حکمرانی مطلوب

شاخص‌های الگوی حکمرانی خوب و عملیاتی شدن آن توسط شوراهای می‌تواند دستاوردهای مناسبی جهت توسعه سیاسی داشته باشد که عبارتند از:

۱. حق اظهار نظر و پاسخگویی: بدین مفهوم که مردم بتوانند دولت را در برابر آنچه که بر مردم تاثیر می‌گذارد، مورد سوال و بازخواست قرار دهند.

۲. **ثبات سیاسی و عدم خشونت:** این شاخص به میزان ثبات رژیم حاکم و رهبران آن، درجه احتمال تداوم حیات موثر دولت و سیاست‌های جاری در صورت مرگ و میر یا تغییر رهبران و دولت‌مردان فعلی می‌پردازد.

۳. **بار مالی مقررات:** بر روی سیاست‌های ناسازگار با بازار تمرکز دارد. سیاست‌هایی از قبیل کنترل قیمت‌ها، عدم نظارت کافی بر سیستم بانکی و همچنین هزینه وضع قوانین برای محدودیت بیش از اندازه تجارت خارجی.

۴. **حاکمیت قانون:** میزان احترام عملی که دولت‌مردان و شهروندان یک کشور برای نهادهایی قائل هستند، با هدف وضع و اجرای قانون و حل اختلاف ایجاد شده است.

۵. **کنترل فساد:** استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی.

۶. **کارایی و اثربخشی دولت:** کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله شامل مقولات ذهنی همچون کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی یا کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی کارگزاران و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی می‌باشد. با توجه به این شاخص‌ها می‌توان گفت در حکمرانی خوب اولویت دادن به اقدامات معتبر برای پاسخگویی سیاسی و اداری، آزادی وابستگی در رابطه با یک قوه قضائیه هدفمند و کارآمد، آزادی اطلاعات و عملکرد موثر سازمان‌های دولتی، ساختار سازمانی پلورالیست و طراحی فرآیندی از توسعه با جنبه‌های مشارکتی و همکارگونه مطرح می‌شود (امام جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ص ۱۸).

۶-۲. چالش‌های شورا در فرآیند توسعه سیاسی

انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا یک مقطع تاریخی مهم در ساختار مدیریتی ایران است، اما شوراها با چالش‌هایی مواجه هستند که چنانچه به تدریج برطرف نشود، نقش شوراها نه تنها در توسعه شهری، بلکه در توسعه ملی و نقش‌آفرینی در توسعه سیاسی با مشکلات اساسی مواجه خواهد شد. این چالش‌ها عبارتند از:

✓ شفافیت بیشتر شورای شهر به منظور افزایش اعتماد شهروندان و در نهایت ارتقاء سرمایه اجتماعی که این هدف نیز جز از طریق افزایش مشارکت شهروندان و مسئولیت‌پذیری آن‌ها در سایه شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری حاصل نخواهد شد.

✓ گذار از مدیریت به سمت حکومت شهری که علی‌رغم شکل‌گیری مشارکت سیاسی شهروندان و تقسیم قدرت و نهادسازی صورت گرفته در قالب سلسله مراتب شوراهای اسلامی از روستا تا شورای عالی استان‌ها، سامانه اداری باید از حالت بخشی به سمت زیرمجموعه سامانه سیاسی تغییر کند و نظام بخشی بتدریج کم‌رنگ شود.

✓ اصلاح قوانین موجود در خصوص میزان اختیارات شورای اسلامی شهرها و شهرداری در ابعاد مختلف مدیریتی، هماهنگی بین سازمانی، تصمیم‌گیری و نظارت از دیگر مواردی است که به ارتقاء جایگاه مدیریت شهری در تحقق توسعه پایدار کمک می‌کند.

✓ شوراهای اسلامی فراگیرترین نهاد مدنی و مردمی به‌شمار می‌روند. قانون اساسی در فصل هفتم و اصول یک‌صدم تا یک‌صد و ششم جایگاه ویژه‌ای را برای نهاد شورا در نظر گرفته و شوراها را مظهر حاکمیت ملی و از ارکان تصمیم‌گیری و اداره کشور برشمرده است.

با شروع فعالیت شوراهای اسلامی، دولت در راستای اجرای سیاست عدم تمرکز و واگذاری امور مردم به مردم و بالا بردن مشارکت مردمی، بخشی از اختیارات و مدیریت‌های خود را به این نهاد محلی واگذار نمود. اعضای شوراهای اسلامی بدلیل آشنایی با شرایط محل زندگی خود و با تصمیم‌گیری‌های محلی به رتق و فتق امور پرداخته و با مشارکت بیشتر و بهتر مردم، راه را برای اجرای بهتر برنامه‌های دولت هموار ساخته‌اند. شوراهای اسلامی چون به عنوان نهادی بینابین از یک‌سو با ساختارهای اجتماعی و از سوی دیگر با ساختار قدرت در ارتباط هستند، مشکلات عدیده‌ای دارند.

۳-۶. مشکلات ساختاری شوراها

شوراها و شهرداری‌ها به دلیل اتصال مستقیم با اقشار و لایه‌های متکثر اجتماعی و توزیع فراگیر جغرافیایی در شهر و روستا و ارتباط نزدیک با مردم، درد‌آشناترین نهاد اجتماعی با ظرفیتی کم نظیر برای تحقق توسعه و آبادانی کشور، عدالت و شکوفایی و بالندگی استعدادها است. اجرای قانون شوراها گامی به پیش است و امکان گفتگوی نیروهای محلی پیرامون منافع محلی را تا حدی فراهم می‌آورد، اما قدرت تصمیم‌گیری آنها چه در جهت تصمیم‌گیری در زمینه ایجاد منافع عمومی و کالاهای عمومی محلی و از آن مهم‌تر در جهت تنفیذ و اجرای آن تصمیمات و نیز تأمین هزینه‌های آن تصمیمات و جلوگیری از متخلفان از آن تصمیمات، بسیار محدود است (آخوندی، ۱۳۸۸: ص ۶). روندی که تاکنون در خصوص شوراها و

شهرداری‌ها وجود داشته است، مثبت بوده، ولی اقدامات مقتضی برای کارآمدسازی آن باید صورت گیرد. در ادامه به اعم مشکلات ساختاری شوراها اشاره می‌شود:

۶-۳-۱. درآمد ناپایدار

در چند دهه اخیر، به جهت فقدان منابع مالی مناسب و ضرورت خدمات‌رسانی، بخش عمده درآمد شهرداری‌ها از طریق فروش تراکم و بودجه دولتی بوده است که از جمله درآمدهای ناپایدار به‌شمار می‌آید. در حالی که اگر مدیریت شهری بخواهد در چارچوب اصول توسعه پایدار حرکت کند، باید متکی به درآمدهای پایدار باشد که از جمله مهم‌ترین آن عوارض خدمات، نوسازی و عمران شهری است. هرچند قانون تجمیع عوارض به منظور رفع بوروکراسی و کوتاهی پروسه پرداخت وضع شد، اما باز هم سهم شهرداری‌ها از عوارض، تحت‌الشعاع بوروکراسی و مسایل سیاسی قرار گرفته است. لایحه مالیات بر ارزش افزوده هم تمامی درآمدها مانند عوارض آب، برق، گاز و تلفن را به همراه یک درصد از کالاهای نهایی و سایر درآمدهای شهرداری حذف می‌کند و سهمی از مالیات با روش توزیعی که نامشخص است، منظور خواهد شد که شهرداری‌ها را به سوی دولتی شدن محض پیش می‌برد و نوعی وابستگی به دولت ایجاد می‌کند. علاوه بر آن، بودجه تخصیصی سالیانه دولت به شهرداری‌ها نیز به موقع و کامل پرداخت نمی‌شود (افتخاری، ۱۳۷۷: ص ۵۹).

۶-۳-۲. عدم مدیریت واحد شهری

یکی از ایده‌های قابل قبول در جهت مدیریت جامع و برخورد هماهنگ با مسائل و مشکلات مختلف در سیستم پیچیده شهری در کشور، مدیریت واحد یا یکپارچه شهری است که به نظر میرسد، مدل مطلوبی برای سامان دادن به پراکندگی مدیریتی در حوزه شهر است (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۲: ص ۳۲) ایجاد مدیریت واحد شهری برای اجتناب از هدر رفتن بودجه‌های شهرداری، موازی‌کاری و مدیریت سلیقه‌ای است. طرح مدیریت واحد شهری، در واقع تجمیع ۲۳ ارگان شامل مخابرات، آب، برق، گاز، پلیس راهنمایی و رانندگی، آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها و غیره با مدیریت شهرداری‌ها می‌باشد که به مسئولین شهرداری اجازه می‌دهد تا با هماهنگی بیشتری نسبت به اجرای پروژه‌های شهری اقدام نمایند. این امر هم از حجم امور تصدی‌گرایانه دولت میکاهد و هم بودجه قابل توجهی در اختیار شهرداری قرار می‌دهد. اعتقاد بر این است که برای حل معضلات و کاستی‌های عدیده شهر چاره‌ای جز روی آوردن به مدیریت

واحد شهری نیست؛ گرچه این بدان معنا نیست که ادارات و سازمانها استقلال خود را از دست خواهند داد، بلکه مدیریت واحد شهری با ایجاد هماهنگی میان ارگانها از آنها می‌خواهد تا در کنار فعالیتهای خود به بهترین نحو از یک مغز متفکر دستور گرفته تا هزینه‌ها در حد معقولی کاهش یابد، بهینه‌سازی در هزینه‌ها و جذب سریع و قدرتمند اعتبارات صورت بگیرد (رضویان، ۱۳۸۱: ص ۶۱).

۶-۳-۳. عدم تخصص کارگزاران حکومت‌های محلی

از مباحث مهم توسعه، مسئله مجریان توسعه است، یعنی در چارچوب سیاسی، اداری و اقتصادی یک جامعه، اجراکنندگان توسعه چه کسانی هستند؟ و از چه ویژگی‌هایی برخوردارند؟ آیا این افراد به توسعه معتقد هستند؟ زمانی یک نهاد مانند شورای شهر در عملکرد خود موفق است که انتخاب اعضای آن بر پایه رقابت، توانایی و لیاقت صورت گیرد. خدمت به مردم و عمل به وظایف قانونی شوراها و شهرداری در سایه برخورداری از تعهد و تخصص امکان‌پذیر است و از سوی دیگر جلب اعتماد عمومی نسبت به شوراها و رشد و بالندگی این نهاد نیازمند عملکرد موفق اعضا و رضایت شهروندان از شوراها می‌باشد. علم، تعهد و تخصص، نیروی محرک نهاد شوراها و شهرداری‌ها و ضامن عدم انحراف از مسیر این نهاد می‌باشد (حسینی، ۱۳۸۶: ص ۵۰-۴۹). به عنوان مثال در زمینه آسیب‌شناسی پایین بودن سطح تحصیلات در شوراها و شهر و روستا، باید قوانین کاندیداتوری اصلاح شود. شاید این کار برای شوراهای روستایی عملاً امکان‌پذیر نباشد، ولی می‌توان از طریق آموزش ضمن خدمت، به دانش‌افزایی اعضای شوراها و مسئولین شهری مبادرت کرد.

۶-۳-۴. عدم تفکیک امور ملی و محلی و آثار آن

یکی از مبانی چالش‌برانگیز شوراها را می‌توان عدم تفکیک امور ملی و محلی و تبعات ناشی از آن دانست. عدم انجام این امر، ما را در تعیین حوزه صلاحیت شوراها و دولت دچار سردرگمی ساخته، حدود وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی را ناقص و ابتر می‌سازد. این امر زمانی آشکارتر می‌شود که اصل را بر ملی بودن امور بدانیم. توضیح اینکه «با دقت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران می‌توان استنباط کرد که در قوانین ما اصل بر ملی بودن امور است، مگر آنکه خلاف آن ذکر شود. لذا، در مواقع شك و تردید در خصوص آنکه امری در صلاحیت کدام يك از مقامات یا نهادهای ملی یا محلی است، بایستی اصل را بر ملی بودن آن قرار داد و در نتیجه آن را در صلاحیت مقام یا نهاد ملی دانست. این استنباط از قوانین،

قلمروی اختیارات شوراهای اسلامی را محدود ساخته و نمی‌تواند انتظار مورد نظر از شوراهای را برآورده سازد. با نگاهی اجمالی به مواد مرتبط با اختیارات شوراهای از جمله فصل سوم و به طور خاص بندهای ماده ۷۱ قانون شوراهای مصوب ۱۳۷۵، به محدودیت قلمرو اختیارات شوراهای پی می‌بریم (حبیب‌نژاد، ۱۳۸۸: ص ۱۱۸).

۶-۳-۵. میراث نهادی ناکارآمد و بازتولید آن

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شوراهای شیوه‌ای از تمرکززدایی برای اداره امور جامعه هستند و از این نهاد به عنوان یکی از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشور یاد شده است، اما طراحی و تأسیس نهادی ناقص شوراهای به سبب قانون‌گذاری مبهم، عدم واگذاری قدرت و اختیارات تصمیم‌گیری مورد انتظار برای یک نهاد حکمرانی محلی، ابهام در وضعیت مالی، عدم تدقیق و تفکیک درست امور ملی و محلی از یکدیگر و در نتیجه، به هم ریختگی روابط میان شوراهای با مقامات و مسئولان محلی، حاکمیت چارچوب‌های ذهنی تمرکزگرا در سال‌های پس از انقلاب، نگرش تنزیلی به دولت محلی در اداره امور عمومی و... تحول و چرخه معیوبی از این نهاد را در چارچوب فرایند وابستگی به مسیر و توالی‌های واکنشی از دوران تأسیس تاکنون در پی داشته است که نتیجه آن، نامشخص بودن خودگردانی محلی و پیروی از دولت مرکزی، نبود مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، رواج بی‌کفایتی و سوءاستفاده اعضای شوراهای از مقام و موقعیت، تخلف‌های مالی، وابستگی به شهرداری‌ها و مأموس شدن شهروندان از شوراهای به عنوان یک میراث نهادی ناکارآمد بوده است. میراث ناکارآمدی که انحراف از مسیر ایجاد شده و خروج از ماتریس نهادی برآمده از آن را تا حدودی ناممکن ساخته و تلاش‌های اصلاح‌گرایانه و قوانین مکرر اصلاحی مربوط به این نهاد را به بازتولید پیکره‌بندی ناکارآمد دوباره‌ای از شوراهای در زمینه تمرکززدایی تبدیل کرده است (ابراهیم‌آبادی و ابوالحسنی، ۱۳۹۷: ص ۲۶).

۶-۳-۶. تمرکز و اتکاء انحصاری دولت بر منبع نفت

از موانع اساسی توسعه سیاسی در ایران که بر مشارکت مردم و فعالیت شوراهای تاثیر گذاشته، دولت وابسته به نفت و ناوابسته به جامعه (دولت رانتیر) است. براساس شواهد و قراین موجود، بعد از شکل‌گیری دولت مدرن، در هر دوره‌ای که دولت تحصیل‌دار تمام عیار بر سر کار بوده، توسعه سیاسی مجال بروز و ظهور نیافته و به محض اینکه قدری از ظرفیت تحصیل‌داری دولت کاسته شده و یا بحران مالی گریبان‌گیر دولت گردیده، فرصت مغتنمی برای رشد و بالندگی جامعه مدنی و توسعه سیاسی در کشور فراهم شده

است. در این وضعیت دولت به نمایندگی از طبقه بالا، به رشد و نوگرایی اقتصادی پرداخت. دولت دستگاه بوروکراسی نیرومند و متمرکز ایجاد کرده و منابع عمده قدرت - اعم از اجبار آمیز و غیراجبار آمیز - را تحت کنترل خود می‌گیرد و از این تمرکز قدرت برای ایجاد تحولات مورد نظر استفاده خواهد کرد. به همین دلیل، در چارچوب وجود چنین دولتی، در عملکرد شوراها و تقویت جامعه مدنی و توسعه سیاسی دچار چالش اساسی خواهد شد (عبداللهی و راد، ۱۳۸۸: ص ۴۹).

۷. نتیجه‌گیری

اهمیت و نقش شوراها در ساختارهای اجتماعی بویژه در مسائل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با توجه به تاکید در منابع اسلامی (قرآن و سنت) از یک سو و ملاحظه آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر و کارآمدی آن در نهادهای اجتماعی، بر کسی پوشیده نیست. استفاده از سیستم مدیریتی و نظارت دقیق در کارکرد شوراها می‌تواند راهگشای بسیاری از مسائل موجود در این عرصه باشد. شوراها به عنوان یک نهاد نوپا با هدف سازماندهی و برنامه‌ریزی، نظارت و بالا بردن سطح کیفی و کمی در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و ارتقاء آنها و بهره‌وری با هزینه کم‌تر، پا به عرصه وجود نهاده است. البته بهبود این روند به صورت مطلوب وقتی می‌تواند مثمر ثمر واقع شود که شوراها علاوه بر اتکاء به قوانین موجود، در امر توسعه نهادهای محلی و مدیریت بهینه و ارتباط تنگاتنگ با بافت‌های مختلف سطح جامعه، در رفع موانع و مشکلات موجود در عرصه‌های مختلف شهری بکوشند. با توجه به جایگاه و حدود اختیارات قانونی شوراها جهت هماهنگی و نظارت بر مسائل مهم منطقه‌ای و محلی از جمله امور اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، زیست محیطی و... باید اذعان نمود که پس از گذشت حدود بیست سال از عملکرد آنان، متأسفانه به دلایل مختلفی شوراها اسلامی بیشتر روی فعالیت و حوزه کاری شهرداری‌ها متمرکز شده‌اند تا بدانجا که در پاره‌ای موارد، مصداق واژه «شورای شهرداری» گردیده‌اند. بی‌شک یکی از مسائلی که در دنیای امروز از اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده و بر بسیاری از مسائل تأثیرگذار است، توسعه سیاسی می‌باشد. وجود انجمن‌های سیاسی و صنفی، نهادهای غیر دولتی و گروه‌های خاص اجتماعی همراه با مشارکت سیاسی آگاهانه و آزادانه از عوامل اساسی و تعیین‌کننده توسعه سیاسی می‌باشد. شوراهای اسلامی به عنوان نهاد مردمی فراگیر بر میزان مشارکت و توسعه سیاسی بی‌تأثیر نخواهد بود. شورای شهر، به عنوان یک نهاد محلی با توجه به شاخص‌های اقتدار، مشروعیت، اعتماد، انسجام،

تخصص، آگاهی عمومی و مشارکت می‌تواند نقش مهمی در توسعه سیاسی داشته باشد. پژوهش حاضر نشان داد که افزایش آگاهی عمومی، افزایش اعتماد مردم به نهادهای اجتماعی، احقاق حقوق توده‌ها و ترویج فرهنگ پاسخگویی و فرهنگ استقلال می‌تواند باعث توسعه سیاسی شده و همچنین کاهش اقتدار شهرداری و غلبه مسائل سیاسی و سلیقه‌ای بر سایر جنبه‌های تخصصی و غیرتخصصی شدن امور در توسعه سیاسی اثر منفی گذاشته است. امور سیاسی از حوزه زندگی مردم جدا نیست و توسعه سیاسی صرفاً به امور دولتی و حکومتی مربوط نمی‌شود که برای مردم عادی مفهوم غیرخودی و بیگانه و تنها در اختیار حاکم و نمایندگان آن باشد، بلکه هدف از توسعه سیاسی افزایش ظرفیت‌های مختلف فرد و جامعه در همه امور است و اینکه نظام را به پاسخگویی بهتر به خواست‌های عمومی ملتزم نماید.

منابع

- آخوندی، عباس (۱۳۸۸). گفتگو با دکتر عباس آخوندی درباره تقویت حکمرانی محلی: ضرورتی لازم اما ناکافی. *اطلاعات*، کد خیر ۱۹۷۱.
- آقائی هشیچین، منوچهر؛ مظفری، پیمان؛ مولائی هشیچین، فرشته (۱۳۹۳). *بررسی نقش شوراهای اسلامی شهر در مدیریت شهری: مطالعه موردی شورای اسلامی شهر هشیچین در طول ۳ دوره*. در: اولین کنگره تخصصی مدیریت شهری و شوراهای شهر. ساری: مرکز همایش‌های توسعه ایران.
- ابراهیم‌آبادی، غلامرضا؛ ابوالحسنی، سید عبدالرحیم (۱۳۹۷). شوراهای اسلامی شهر و روستا و تمرکززدایی در جمهوری اسلامی ایران. *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۱۴(۱): ۷-۳۴.
- احمد، پوراحمد؛ معصومه، مهدیان بهنمیری؛ مهدی، علی (۱۳۹۲). *تحلیلی بر عوامل عدم تحقق مدیریت واحد شهری از دیدگاه قوانین موجود. اقتصاد و مدیریت شهری*، ۱(۲۹): ۳۱-۵۰.
- ازکیا، مصطفی؛ ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۴). *بررسی جامعه‌شناختی عوامل کارایی شوراهای اسلامی شهر. نامه علوم اجتماعی*، ۲۶: ۳۳-۶۴.
- اسدیان، مرتضی؛ واعظ طبسی، علی؛ یاری‌قلی، وحید (۱۳۹۲). *ارزیابی و تحلیل میزان تحقق‌پذیری اهداف توسعه شهری توسط شورای شهر (مطالعه موردی: شهر زاهدان)*. مشهد: پنجمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۷). توسعه و تعادل: آسیب‌شناسی اجرای قانون شوراها. *مطالعات راهبردی*، ۱.
- امام‌جمعه‌زاده، سید جواد؛ شهرام‌نیا، امیرمسعود؛ صفریانی، روح‌الله (۱۳۹۵). *الگوی حکمرانی خوب؛ جامعه همکار و دولت کارآمد در مدیریت توسعه. علوم سیاسی*، ۱۲(۳۶): ۷-۴۰.
- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۷). *نقد نظریه‌های غرب‌محور در توسعه سیاسی. مطالعات راهبردی*، ۱.
- بدیع، برتران (۱۳۸۷). *توسعه سیاسی*. ترجمه احمد نقیب‌زاده. تهران: نشر قومس، چاپ پنجم.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰). *موانع توسعه سیاسی در ایران*. تهران: گام نو، چاپ دوم.
- حبیب‌نژاد، سید احمد (۱۳۸۸). *بررسی حقوقی شوراهای اسلامی شهر در پرتو اصول تمرکززدایی. حقوق و فقه*، ۵(۲۰): ۱۱۱-۱۳۱.
- حسینی، سیده سمیرا (۱۳۸۶). *بررسی میزان تحصیلات اعضای شوراهای اسلامی. شوراها*، ۱۳.
- خان‌محمدی، یوسف؛ جعفری، سید نادر (۱۳۹۵). *مقایسه دیدگاه امام خمینی و محمد رشید رضا در باب حکومت اسلامی و پیامدهای سیاسی آن. سیاست متعالیه*، ۴(۱۲): ۴۵-۶۴.
- رحیمی جهان‌آبادی، جلیل؛ حیدری فرزانه‌نی، رسول (۱۳۹۴). *نقش شوراهای اسلامی در توسعه سیاسی شهرستان‌ها در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۲ (مطالعه موردی: شهرستان تایباد)*. *مطالعات سیاسی*، ۸(۳۰): ۶۷-۸۸.

- رستمی، ولی؛ سید مجتبی؛ حسینی پور، اردکانی (۱۳۹۲). جایگاه شوراهای اسلامی کشور در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران. *دانش حقوق عمومی (بررسی های حقوق عمومی سابق)*، ۲(۵).
- رضویان، محمدتقی (۱۳۸۱). *مدیریت عمران شهری*. تهران: انتشارات پیوند نو.
- سرمدی، عباسی؛ مهدی؛ راهبر، مهرنوش (۱۳۸۸). توسعه سیاسی در ایران پس از خرداد ۱۳۷۶. *سیاست*، ۳۹(۲).
- سریع القلم، محمود (۱۳۸۴). *عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران*. تهران: مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، چاپ چهارم.
- سیف الدینی، فرانک (۱۳۸۰). شوراهای شهر در ایران: مشربی نو در بررسی مشارکت شهروندان: مطالعه موردی از شورای شهر شیراز. *ویژه نامه علوم اجتماعی*، ۱۶(۳۲): ص ۵۱-۸۲.
- سیف زاده، سید حسین (۱۳۹۲). *نظریه های مختلف درباره راه های گوناگون نوسازی و دگرگونی سیاسی*. تهران: نشر قومس، چاپ دوم.
- صدرا، علیرضا (۱۳۹۶). *افق و تدابیر سیاسی الگوی توسعه متعالی جمهوری اسلامی ایران*. *سیاست متعالیه*، ۵(۱۶): ص ۲۵-۴۰.
- عبداللهی، محمد؛ راد، فیروز (۱۳۸۸). روند تحول و موانع ساختاری توسعه سیاسی در ایران (۱۳۸۲-۱۳۰۴). *جامعه شناسی ایران*، ۱۰(۱): ص ۲۹-۶۳.
- قالیباف، محمدباقر (۱۳۹۲). *حکومت های محلی یا استراتژی توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- منظری، مصطفی (۱۳۸۹). *تاثیر اولین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا بر فرایند توسعه سیاسی در ایران*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- نقیب زاده، احمد (۱۳۷۷). *جمهوریت و اسلام*. در: *مجموعه مقالات جمهوریت و انقلاب اسلامی*. تهران: سازمان مدارک فرهنگی وزارت ارشاد.